

خلاصه کنید

- براساس نگاه تکخطی به تاریخ، همه‌ی جوامع مسیر واحدی را طی می‌کنند.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

مفاهیم کلیدی

جهان دنیوی؛

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

فصل سوم

شناخت اجتماعی

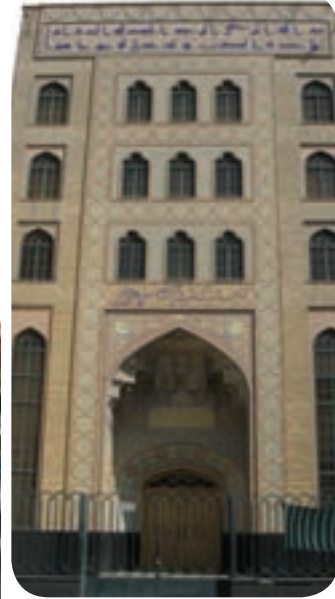
- ۱- شناخت اجتماعی
- ۲- انواع شناخت علمی
- ۳- شناخت اجتماعی تجربی
- ۴- شناخت اجتماعی عقلی
- ۵- شناخت اجتماعی شهودی
- ۶- شناخت اجتماعی در قرآن

انتظار می‌رود در پایان این فصل دانش آموز:

- شناخت عمومی را از شناخت علمی بازشناسد و رابطه آن‌ها را تحلیل کند.
- انواع شناخت علمی را در مقایسه با هم تشریح کند.
- ویژگیهای شناخت اجتماعی تجربی و توانمندی‌ها و کاستی‌های آن را بشناسد.
- ویژگیهای شناخت اجتماعی عقلی و توانمندی‌ها و کاستی‌های آن را بداند.
- شناخت اجتماعی شهودی و انواع آن را بشناسد.
- رابطه شناخت اجتماعی و جهان اجتماعی را تحلیل کند.
- شناخت اجتماعی متناسب با جهان اجتماعی اسلام را تشریح کند.



شناخت اجتماعی



شناخت عمومی

آگاهی و شناخت، دروازه ورود انسان به جهان اجتماعی است. انسان‌ها درباره جهان اجتماعی خود، دانستنی‌های فراوانی دارند. شناخت اجتماعی انواعی دارد که عام‌ترین و گسترده‌ترین نوع آن، فهم عرفی یا شناخت عمومی است. درباره شناخت عمومی چه می‌دانیم؟

ما اغلب از شناختی که نسبت به کنش‌های خود داریم و از اهمیت و نقشی که این شناخت در زندگی ما دارد غافلیم. به کنش‌های روزانه خود مانند راه رفتن، تلفن زدن، رانندگی، احوال‌پرسی، خرید و کارهای پیچیده‌ی دیگر دقت کنیم. شاید در نگاه اول گمان کنیم این کارها به‌طور طبیعی و

بدون شناخت خاصی انجام می‌شود؛ یا ممکن است فکر کنیم شناختی که برای این کارها داریم، چندان مهم نیست!

فرض کنید به پیشنهاد دوستی به یک میهمانی وارد شوید که در آن کسی را نمی‌شناسید. در چنین موقعیتی دقت و احتیاط شما بیشتر می‌شود؛ پیش از انجام هرکاری فکر می‌کنید. حتی به اینکه چگونه راه بروید و چگونه حرف بزنید می‌اندیشید. متوجه می‌شوید حتی در راه رفتن و حرف زدن شما شناخت‌هایی وجود دارد که در زندگی روزمره، به سبب عادت از نگاه و توجه شما پنهان است.

مست آب و پیش روی اوست آن اندر آب و بی‌خبر ز آب روان
چون گهر در بحر گوید بحر کو و آن خیال چون صدف دیوار او

هیچ یک از کنش‌های اجتماعی ما بدون آگاهی انجام نمی‌شود. اگر این آگاهی نباشد، زندگی اجتماعی انسان‌ها مختل می‌شود و جهان اجتماعی از بین می‌رود.

در سال گذشته از آگاهی و شناخت عمومی با نام شناخت حاصل از زندگی یاد کردیم؛ زیرا انسان این نوع شناخت را در طول زندگی خود به دست می‌آورد.

ما انسان‌ها با وارد شدن به جهانی که دیگران در آن به سر می‌برند، در مجموعه‌ای از شناخت‌ها با آنها شریک می‌شویم. این شناخت‌های مشترک که همان شناخت عمومی است، اندوخته‌ی مشترکی از دانش‌ها و آگاهی‌هاست که هنگام تعامل با دیگران، از آن استفاده می‌کنیم. ما درباره‌ی این شناخت کمتر می‌اندیشیم و بیشتر، از آن استفاده می‌کنیم و آن را به کار می‌بریم.

تأمل کنید

به نظر شما، فراگیری شناخت عمومی در کدام مقطع از زندگی آغاز می‌شود و تا چه زمانی ادامه پیدا می‌کند؟

شناخت علمی

شناخت عمومی برای زندگی اجتماعی مانند هوا برای زندگی انسان ضروری است. انسان همواره از هوا استفاده می‌کند اما در اغلب موارد متوجه آن نیست و از اهمیت آن در زندگی‌اش غافل است. ما هنگامی متوجه وجود هوا می‌شویم که در آن تغییری رخ دهد و به خصوص زمانی که، مشکلی در تنفس به وجود آید. انسان‌ها چگونه متوجه شناخت عمومی می‌شوند؟

افراد جامعه هنگامی متوجه شناخت عمومی می‌شوند و درباره آن می‌اندیشند که در کاربرد و استفاده از آن دچار مشکل شوند؛ مثلاً، ما وقتی در جمعی قرار می‌گیریم که زبان ما را متوجه نمی‌شوند و ما نیز با زبان آنان آشنا نیستیم، متوجه شناخت خود نسبت به زبان می‌شویم و به تفاوت زبان خود و زبان آنها پی می‌بریم و درباره این تفاوت می‌اندیشیم. با پرسش از شناخت عمومی، شناخت علمی نسبت به جهان اجتماعی آغاز می‌شود.

ویژگی‌های شناخت علمی در مقایسه با شناخت عمومی عبارت‌است از:

۱- **آگاهانه بودن:** شناخت علمی، آگاهانه دنبال می‌شود اما شناخت عمومی اغلب به صورت ناخودآگاه و بدون این‌که متوجه یادگیری آن شویم، در جریان زندگی اجتماعی حاصل می‌شود.

۲- **تأمل و استدلال:** شناخت علمی از طریق تأمل و تفکر دنبال می‌شود، حال آن‌که شناخت عمومی، فهمی است که در جریان زندگی اجتماعی و استفاده از اندوخته معرفتی جامعه حاصل می‌شود.

۳- **جست‌وجوی واقعیت:** شناخت علمی برای کشف واقعیت و شناخت درست و نادرست بودن امور و پدیده‌ها است، حال آن‌که شناخت عمومی بیشتر برای استفاده عملی و زندگی در جهان اجتماعی است. البته شناخت علمی نیز فواید عملی دارد اما در درجه اول به دنبال کشف امور واقعی است. مانند علوم پایه و علوم مهندسی.

مقایسه کنید

زبان یک پدیده اجتماعی است. شناخت عمومی و علمی نسبت به این پدیده را مقایسه کنید.

رابطه شناخت عمومی و شناخت علمی

شناخت عمومی و شناخت علمی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. اندیشمندان علوم اجتماعی درباره تأثیر هر یک از این دو بر دیگری، بحث‌های فراوانی کرده‌اند. هر یک از این دو شناخت در دیگری چه اثری دارد؟

درباره تأثیر شناخت علمی بر شناخت عمومی به سه مورد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱- **حل مشکلات:** دانستیم انسان هنگامی متوجه شناخت عمومی می‌شود که فهم عرفی و شناخت عمومی در کارایی خود دچار مشکل شده باشد. شناخت علمی برای حل چنین مشکلاتی به کار می‌آید.



۲- **کشف حقیقت:** شناخت علمی به دنبال کشف حقیقت است و دربارهٔ درست یا

نادرست بودن یا حق و باطل بودن شناخت عمومی داوری می‌کند.

۳- **رشد فرهنگ:** شناخت علمی با روشن کردن خطاهای شناخت عمومی، به تدریج به

عرصهٔ فهم عرفی و عمومی وارد می‌شود و از خطاهای شناخت عمومی کم می‌کند، به میزانی که نتایج شناخت علمی جذب شناخت عمومی می‌شود، فرهنگ عمومی از خرافات و باورهای غلط دور می‌شود.

دربارهٔ تأثیر شناخت عمومی بر شناخت علمی از موارد زیر می‌توان یاد کرد:

۱- **طرح پرسش:** شناخت عمومی به تناسب مسائل و مشکلاتی که با آن مواجه می‌شود،

برای شناخت علمی پرسش و مسئله به وجود می‌آورد.

وقتی در یک جامعه مسئلهٔ خاصی مطرح می‌شود، زمینهٔ رشد علمی نسبت به آن

مسئله به وجود می‌آید. مثلاً کاهش یا افزایش بی‌رویه جمعیت منطقه‌ای می‌تواند بستر فعالیت جمعیت‌شناسی را فراهم آورد.

۲- **حمایت:** شناخت عمومی به تناسب عقاید و ارزش‌هایی که در آن وجود دارد، ممکن

است بخشی از شناخت علمی یا همهٔ آن را مورد حمایت قرار دهد؛ در این صورت، شناخت عمومی نیز به نوبهٔ خود از ثمرات و آثار شناخت علمی بهره می‌برد.



۳- **ایجاد محدودیت:** شناخت عمومی در برخی از فرهنگ‌ها مانع پیدایش یا بسط شناخت علمی می‌شود. اگر عقاید و ارزش‌هایی که در شناخت عمومی وجود دارند با همهٔ علوم یا برخی از آنها ناسازگار باشند، مانع از آموزش یا گسترش علمی می‌شوند.



پاسخ دهید

- چه نوع عقاید و ارزش‌هایی مانع از رشد و توسعهٔ علم پزشکی می‌شوند؟
- طی جنگ جهانی اول و دوم، چه علمی توسعه پیدا کرد و چرا این علوم در آن سال‌ها رشد کرد؟

خلاصه کنید

- شناخت اجتماعی به دو نوع تقسیم می‌شود: شناخت عمومی و شناخت علمی.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

مفاهیم کلیدی

شناخت عمومی؛

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

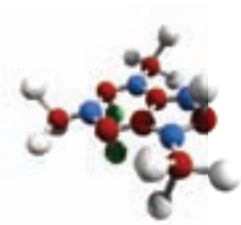
.....

.....

.....

.....

انواع شناخت علمی



● رصدخانه مراغه



فرهنگ و علم

ما می‌دانیم شناخت عمومی در جهان‌های اجتماعی مختلف، متفاوت است. آیا شناخت علمی نیز براساس فرهنگ‌های گوناگون تفاوت دارد؟

«ویروس آنفلوانزا علت بیماری است»، «کم شدن کالای مورد نیاز سبب گرانی آن است»، «دو به اضافه سه پنج» و ...؛ این قوانین علمی اگر درست‌اند به جامعه‌ای خاص و به اعتقادات و

ارزش‌های جوامع مختلف ارتباطی ندارد. اما جوامع مختلف بر اساس شناخت عمومی، اعتقادات، ارزش‌ها و نیازهای خود با قوانین علمی برخوردهایی متفاوت دارند. همهٔ جوامع، علمی را که به آن احتیاج دارند و با عقاید و ارزش‌هایشان مخالفت ندارد، به سهولت می‌پذیرند و برای شناخت و کشف آنها اقدام و از آنها حمایت می‌کنند؛ و علمی را که به آنها نیاز ندارند، دنبال نمی‌کنند آن بخش‌هایی را که مخالف عقاید و باورهایشان باشد، نمی‌پذیرند.

وقتی شناخت عمومی با بخشی از شناخت علمی مخالف باشد، دو راه بیشتر وجود ندارد؛ یا شناخت عمومی جامعه تغییر می‌یابد و اصلاح می‌شود یا آن بخش از علوم انکار و طرد می‌شود. بسیاری از فرهنگ‌ها بر اساس شناخت عمومی خود، بخش‌هایی از شناخت علمی را انکار کرده و معنای علم را محدود ساخته‌اند؛ بعضی از فرهنگ‌ها با هر نوع شناخت علمی مخالفت ورزیده‌اند؛ بعضی از فرهنگ‌ها نیز هیچ حقیقتی را قبول ندارند تا علم آن را جست‌وجو و کشف کنند.

هم‌اندیشی کنید

در یونان گروهی بوده‌اند که عالم را مثل خواب و پندار می‌دانستند. آنان حقیقت جهان را انکار می‌کردند؛ به این گروه «سوفسطایی» می‌گویند. آیا براساس عقیدهٔ این گروه می‌توان شناخت علمی داشت؟

شناخت حسی و عقلی

جهان‌های اجتماعی براساس فرهنگ‌های گوناگونی که دارند، با شناخت علمی و بخش‌های مختلف آن برخوردی یکسان ندارند. بخش‌های مختلف شناخت علمی کدام‌اند؟

شناخت حسی، شناخت امور جزئی است؛ مثل دیدن دوست خود در خیابان یا معلم در کلاس.

ابزار شناخت حسی، حواس آدمی است؛ مانند چشم و گوش. منبع شناخت حسی، عالم طبیعت است، امور غیر طبیعی، محسوس نیستند. روش شناخت حسی، مشاهده و احساس با حواس مختلف است.

شناخت عقلی: شناخت مسائل و قوانین کلی و عام است.

ابزار شناخت عقلی، عقل انسان است. این نوع شناخت بدون استفاده از این ابزار به دست



نمی‌آید. برخی از حیوانات در بعضی از حواس خود قوی‌تر از انسان‌ها هستند. ولی از شناخت عقلی محرومند. انسان‌ها گاهی از همین ویژگی حیوانات برای به دام انداختن آنها استفاده می‌کنند. حیواناتی که به دام می‌افتند علی‌رغم این‌که گاهی دام، بسیار ساده است، توان رهایی از آن را ندارند.^۱

منبع شناخت عقلی، حقایق طبیعی و غیر طبیعی است.^۲

روش شناخت عقلی، تفکر و استدلال است.

انسان با تفکر و استدلال دربارهٔ اموری که قبلاً حس کرده است یا امور طبیعی که قابل

حس کردن نیستند به شناخت عقلی دربارهٔ آنها می‌رسد.

به استدلال‌های عقلی دربارهٔ امور محسوس و طبیعی «استدلال تجربی» و به استدلال‌های

عقلی دربارهٔ امور غیر محسوس و غیر طبیعی «استدلال غیر تجربی یا تجریدی» می‌گویند.

جست‌وجو کنید

با توجه به آنچه در درس نهم دربارهٔ تقسیم جهان اجتماعی به اجزای ذهنی و عینی خواندید، دو پدیدهٔ اجتماعی را که از قلمرو شناخت حسی بیرون است و دو پدیدهٔ اجتماعی را که جز با حس شناخته نمی‌شوند، پیدا کنید.

۱ - در کشور انگلستان سالانه تعداد زیادی جوجه تیغی در بزرگراه‌ها و جاده‌های خارج از شهر در اثر برخورد با اتومبیل‌ها کشته می‌شوند. این جوجه تیغی‌ها طبق غریزه در مقابل اتومبیل‌هایی که در جاده‌ها به سرعت رفت و آمد می‌کنند به هنگام ترس در خود جمع می‌شوند و به صورت یک گلوله در می‌آیند. این عمل در طبیعت به آن‌ها کمک می‌کند تا جانوران خطرناک نتوانند به آن‌ها صدمه بزنند ولی در برابر اتومبیل‌های تندرو محافظت نمی‌کند.

۲ - حقایق طبیعی مانند پدیده‌های محسوس و حقایق غیرطبیعی مانند قوانین علمی، قضایای ریاضی و منطقی و نیز قوانین فلسفی

شناخت شهودی

شناخت شهودی از انواع شناخت علمی است. فرهنگ‌های مختلف با این نوع شناخت برخوردی یکسان ندارند و برخی از فرهنگ‌ها، آن را غیر علمی می‌دانند. شناخت شهودی چیست و اقسام آن کدام‌اند؟

شناخت شهودی در هر سه معیار ابزار، منبع و روش با شناخت حسی و عقلی تفاوت دارد.

ابزار شناخت شهودی، دل و قلب آدمی است؛ انسان از درون خود بدون استفاده از ابزارهای حسی و عقلی بسیاری از امور محسوس و غیر محسوس را می‌شناسد. مانند این که ما بدون کمک حس و فکر به غم و شادی درون خود یا محبت و تنفر نسبت به دیگری پی می‌بریم. شناخت غریزی حیوانات نسبت به خیلی از امور مورد نیازشان از همین قبیل است؛ مثلاً، آنان اغلب دوست و دشمن خود را در نخستین برخورد و بدون تجربه قبلی می‌شناسند.

منبع شناخت شهودی، وحی و الهامات الهی و غیر الهی است. وحی در معنای خاص نوعی شناخت شهودی بوده است که از طرف خداوند برای هدایت آدمیان به پیامبران اعطا شده است. به این معنای خاص «وحی تشریحی» نیز می‌گویند.



معنای عام وحی همان شناخت مرموز درونی است که شامل همه الهامات می‌شود. وحی‌کننده در این معنای عام می‌تواند خداوند سبحان یا غیر او و از جمله شیطان باشد. خداوند سبحان به شیاطین نیز وحی را نسبت داده است.^۱ وحی گیرنده نیز می‌تواند انسان یا غیر انسان باشد؛ مثلاً خداوند در قرآن، از وحی خود به زنبور عسل خبر داده است.^۲

روش شناخت شهودی، مشاهده و استدلال نیست بلکه ریاضت، سلوک، تصفیه، تزکیه و بالاخره نحوه رفتار و عمل آدمی است. هر نوع شهودی با نوعی خاص از سلوک همراه است. شناخت شهودی انسان دارای انواع و مراتبی است. مهم‌ترین آنها، دو نوع رحمانی و شیطانی است.

شهودهای رحمانی، با وحی مستقیم الهی یا از طریق فرشتگان انجام می‌شود؛ انبیا و اولیای الهی از این نوع وحی بهره‌می‌برند.

شهودهای شیطانی، به وسیله شیطان و برای فریب انسان رخ می‌دهد.

شناسایی کنید

- نمونه‌هایی را از شناخت‌هایی که حیوانات بدون استفاده از تجربه و استدلال دارند، به کلاس معرفی کنید.
- با پرکردن جدول زیر، تفاوت‌های انواع شناخت علمی را توضیح دهید.

شهودی	عقلی	تجربی	نوع
			معیار
			ابزار
			منبع
			روش

۱- إِنَّ الشَّيَاطِينَ لِيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ (سورة انعام، آیه ۱۲۱)؛ شیاطین به دوستان خود وحی می‌کنند تا با شما مجادله کنند.

۲- وَ أَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ. (سورة نحل، آیه ۶۸)؛ و پروردگار تو به زنبور عسل وحی کرد تا از کوه‌ها و از درختان و داربست‌هایی که مردم می‌سازند، لانه بگیرد.

خلاصه کنید

- جهان‌های اجتماعی و فرهنگ‌های مختلف با شناخت علمی برخورد یکسان ندارند.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

مفاهیم کلیدی

شناخت علمی ؛

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

شناخت اجتماعی تجربی



شناخت تجربی در جهان امروز

شناخت حسی و تجربی، بخشی از شناخت علمی است. جهان اجتماعی متجدد به دلایلی که ریشه در شناخت عمومی و فرهنگ آن دارد، در مقطعی از تاریخ خود، این بخش از شناخت علمی را مورد حمایت قرار داده است. این حادثه چگونه اتفاق افتاد و چه مسیری را دنبال کرد؟

اگر به یاد داشته باشید، در سال اول دبستان برای نخستین بار با درس علوم آشنا شدید.

در کتاب علوم دانش‌هایی را فراگرفتید که از ابزار حس، منبع طبیعت و روش مشاهده، آزمایش و تجربه استفاده می‌کنند.

ما امروزه در جهانی زندگی می‌کنیم که در آن فقط از شناخت‌های حسی و تجربی به اسم علم یاد می‌شود. در این جهان به شناختی که حسی و تجربی نباشد، «معرفت» گفته می‌شود. معنای تقسیم فوق این است که شناخت علمی شناختی است که با حس بتوان آن را اثبات، یا ابطال کرد؛ یعنی درست یا نادرست بودن آن تنها با حس معلوم شود.

محدود کردن معنای علم به علم تجربی در تاریخ اندیشه بشر و حتی در جهان غرب سابقه چندانی ندارد و به نیمه دوم قرن نوزدهم باز می‌گردد. این تعریف از علم، از نیمه دوم قرن بیستم مورد تردید فیلسوفانی که در مورد علم تحقیق و مطالعه می‌کنند، قرار گرفت. دلیل فرهنگی و اجتماعی فراگیری و گسترش تعریف حسی از علم و علت تردید زود هنگام نسبت به این تعریف چیست؟

رویکرد دنیوی انسان معاصر عامل مهمی است که او را، هم به سوی حس‌گرایی و هم به سوی انکار بخش‌های غیر تجربی و غیر حسی علوم، سوق داد؛ زیرا حس، ابزار دنیوی شناخت بشری است و نقطه قوت علوم حسی و تجربی نیز این است که انسان را در تسلط بر عالم طبیعت یاری می‌کنند.

علت تردید فیلسوفان علم در محدود بودن علم به شناخت حسی، آگاهی آنان به این حقیقت است که شناخت حسی بدون استفاده از ذهن و عقل بشر نمی‌تواند سازمان پیدا کند و به صورت شناخت کلی علمی درآید.

مقایسه کنید

معنای علم را در قرآن کریم و در فرهنگ اسلامی با معنایی که علم در قرن نوزدهم پیدا کرده است، مقایسه کنید و درباره دلیل تفاوت معنای آن گفت‌وگو کنید.

رویکرد تجربی به علوم اجتماعی

بخشی از شناخت علمی جامعه، شناخت تجربی است. محدود کردن شناخت علمی جامعه به شناخت تجربی، پدیده‌ای اجتماعی است که در دوره‌ای خاص از جهان اجتماعی غرب رخ داده است. این پدیده در چه زمانی و چگونه رخ داد؟

در جهانی که به دلایل فرهنگی و تاریخی، شناخت علمی به دانش حسی و تجربی محدود می‌شود، شناخت علمی جامعه نیز به بخش تجربی آن محدود می‌شود. هنگام غلبه دیدگاه حس گرایانه (قرن نوزدهم)، جامعه‌شناسی نه تنها با روش تجربی دنبال می‌شد بلکه موضوع آن نیز مانند موضوعات طبیعی مورد بررسی قرار می‌گرفت.

اگوست کنت معتقد بود شناختی که از راه حس و تجربه به دست نیامده باشد، شناخت علمی نیست. او شناخت‌های شهودی و وحیانی و همچنین شناخت عقلی را شناخت‌های غیر علمی می‌دانست و آنها را پندارهای مربوط به دوران کودکی و نوجوانی بشریت می‌خواند.



غلبه دیدگاه حس گرایانه سبب شد تا آگاهی‌های پیشین بشر نسبت به جامعه انسانی نیز به دلیل این که از روش‌های صرفاً حسی به دست نیامده بود یا از روش عقلی استفاده کرده بود، آگاهی‌های غیر علمی دانسته شود و جامعه‌شناسی، دانشی معرفی شود که صرفاً در قرن نوزدهم متولد شده است.

بی‌تردید حس و تجربه یکی از راه‌های مهم شناخت جهان خارج است و جامعه‌شناسانی که با روش حسی و تجربی به شناخت جهان اجتماعی می‌پردازند، دستاوردها و اطلاعات ارزشمندی را به دست آوردند. مشکل حس‌گرایان در این است که راه‌های دیگری را که برای شناخت عالم و از جمله شناخت جهان اجتماعی وجود دارد، مورد غفلت یا انکار قرار دادند. محدود کردن شناخت علمی جامعه به شناخت تجربی، محدودیت‌هایی نیز برای علوم اجتماعی به وجود آورده است.

یادآوری کنید

با استفاده از مباحثی که در درس ششم درباره تاریخ جامعه‌شناسی گذشت، محدودیت‌ها و مشکلات جامعه‌شناسی پوزیتیویستی را بازگو کنید.

رویکردهای بعد تجربی

رویکرد صرفاً حسی و تجربی به علوم اجتماعی مانند اصل حس‌گرایی علمی بیش از یک سده در جهان متجدد دوام نیاورد. با افول این رویکرد، علوم اجتماعی چه ویژگی‌هایی پیدا کرده است؟

رویکرد صرفاً حسی و تجربی به علوم اجتماعی با سه آسیب مهم مواجه است:



● مراحل عمل خیلی خوب پیش رفت ولی متأسفانه بیمار مرد!

اول این که مانع شد جامعه‌شناسی نسبت به پدیده‌های اجتماعی داورى ارزشى و هنجارى کند و از این زاویه نسبت به پدیده‌ها یا نظام اجتماعى زبان به انتقاد بگشاید.

دوم این که با حذف ابعاد ارزشى، علوم اجتماعى را به صورت یک علم ابزارى در ردیف علوم طبیعى قرار داد.

سوم این که ابزارى دانستن علوم اجتماعى، امکان مقابله جامعه‌شناسى با ارزش‌هاى حاکم را از بین برد و به آن خصلتى محافظه کارانه نسبت به جهان و نظام اجتماعى موجود بخشید.

جامعه‌شناسان انتقادى برای خارج کردن علوم اجتماعى از محدودیت‌هاىی که جامعه‌شناسى تجربى گرفتار آن شده بود و همچنین برای گریز از مشکلات منطقى علم تجربى، ناگزیر به سطوح و بخش‌هاى دیگرى از شناخت پناه بردند.

شناختى که جامعه‌شناسى انتقادى برای رفع کاستى‌هاى علم حسى و جامعه‌شناسى تجربى استفاده کرد، همان اندوخته اجتماعى شناخت بشرى است که از آن با عنوان شناخت عمومى یاد کردیم که فهم عرفى یا عقل جمعى نیز نامیده مى‌شود.

استفاده از این نوع شناخت و عقل، شناخت علمى را در حاشیه شناخت عمومى قرار مى‌دهد و به آن ملحق مى‌گرداند. در این حال، شناخت علمى به تبع شناخت عمومى سیار و متغیر مى‌شود و این دیدگاه برخلاف دیدگاهى خواهد بود که شناخت علمى را کاشف حقیقت و معیارى برای درست و نادرست بودن شناخت عمومى مى‌داند.

تأمل کنید

براساس دیدگاه انتقادى، آیا شناخت علمى در جهان‌هاى اجتماعى و فرهنگ‌هاى مختلف یکسان خواهد بود؟

خلاصه کنید

از نیمه دوم قرن نوزدهم، فقط شناخت حسی و تجربی را شناخت علمی نامیدند.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

مفاهیم کلیدی

شناخت تجربی ؛

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

شناخت اجتماعی عقلی



اقسام شناخت عقلی

شناخت عقلی بخشی از شناخت علمی است. شناخت عقلی نیز دارای مراتب و اقسام مختلفی است. اقسام شناخت عقلی کدام‌اند؟

عقل در دو معنای عام و خاص به‌کار می‌رود:

عقل در معنای وسیع و عام، ابزاری برای هر نوع شناخت و تلاش علمی و ذهنی انسان است. عقل به این معنا، هم (۱) ابزار شناخت امور کلی و غیر طبیعی است، هم (۲) ابزار شناخت حسی – تجربی و هم (۳) ابزار شناخت عمومی و عرفی است. به همین دلیل، برای شناخت حسی و تجربی، گاه از عبارت «عقل جزئی» و «عقل تجربی» یا «عقل ابزاری» استفاده می‌کنند و برای شناخت عمومی نیز گاه «عقل جمعی» یا «عقل عرفی» را به‌کار می‌برند.

عقل در معنای خاص فقط در تأملات فکری و فعالیت‌های روشمند علمی و ذهنی‌ای حضور دارد که به درک حقایق کلی می‌پردازد.

عقل در معنای خاص – همان‌گونه که در درس هفتم دانستیم – به دو نوع نظری و عملی

تقسیم می‌شود؛

عقل نظری به شناخت هستی‌ها می‌پردازد و عقل عملی بایدها و نبایدها و احکام ارزشی را شناسایی می‌کند.

گفت‌وگو کنید

در درس ششم با سه نوع جامعه‌شناسی پوزیتیویستی، تفهّمی و انتقادی آشنا شدیم. هریک از آنها از کدام نوع عقل استفاده می‌کنند؟

رویکرد عقلی به علوم اجتماعی

رویکرد عقلی به علوم اجتماعی در فرهنگ‌هایی ممکن است که شناخت عقلی در آنها مورد پذیرش قرار گرفته و حضور داشته باشد. کدام جوامع از شناخت عقلی بهره‌مند بوده‌اند؟



منظور از علوم اجتماعی عقلی، علمی است که از معنای خاص عقل، یعنی عقل نظری و عملی، استفاده کند. این معنا از علوم اجتماعی فقط مخصوص جوامعی است که عقلانیت به معنای خاص در آن جامعه پذیرفته شده باشد. معنای خاص عقلانیت در جهان غرب تا قبل از غلبه حس‌گرایی – یعنی تا نیمهٔ اوّل قرن نوزدهم – حضور داشته است. در جهان اسلام و همچنین در بخش‌هایی از جامعهٔ یونان نیز عقل نظری و عملی مورد توجه قرار داشت و به همین دلیل، در این جوامع تفسیرها و تبیین‌های عقلی نسبت به پدیده‌های اجتماعی وجود داشت. کتاب سیاست از ارسطو، سیاست مدنیّه از فارابی و برخی از آثار هگل (فیلسوف آلمانی)، نمونه‌هایی از شناخت اجتماعی عقلی‌اند.

در جوامعی که حس‌گرایی بر آن غالب باشد و همچنین در فرهنگ‌هایی که شناخت عمومی جای عقل نظری و عملی را گرفته باشد، علوم اجتماعی عقلی نمی‌تواند وجود داشته باشد.

یادآوری کنید

● با تأمل در درس هفتم، برخی از ویژگی‌های علوم اجتماعی عقلی را بیان کنید.

توانمندی‌ها و آسیب‌های رویکرد عقلی

علوم اجتماعی عقلی در مقایسه با علوم اجتماعی تجربی و انتقادی نقاط قوتی دارد. این نوع شناخت اجتماعی را برخی آسیب‌ها نیز تهدید می‌کند. توانمندی‌ها و آسیب‌های آن چیست؟

علم اجتماعی عقلی با استفاده از عقل نظری می‌تواند به شناخت ابعاد معنوی انسان و جهان بپردازد و براین اساس، سعادت و کمال آدمی را شناسایی کند. همچنین این علم می‌تواند با استفاده از عقل عملی، ارزش‌ها و احکامی را که برای رسیدن به آرمان‌های انسانی مورد نیاز است، بشناسد. این علم با کمک حس و با استفاده از عقل تجربی و همچنین با کمک شناخت عمومی و فهم عرفی، دانش ابزاری مورد نیاز را برای تدبیر پدیده‌های اجتماعی فراهم می‌آورد.

علوم اجتماعی با رویکرد عقلی به دلیل توانمندی‌های فوق، قدرت داوری ارزشی و برخورد انتقادی نسبت به جوامع مختلف را داراست و به همین دلیل، این رویکرد، هیچ یک از آسیب‌های رویکرد تجربی به علوم اجتماعی را ندارد.

رویکرد عقلی به علوم اجتماعی به دلیل این که عقل نظری و عملی را به شناخت عمومی تنزل نمی‌دهد، ارزش شناخت علمی را نسبت به فرهنگ‌ها و جوامع مختلف حفظ می‌کند. آسیب مهم رویکرد عقلی هنگامی رخ می‌دهد که این رویکرد شناخت را فقط به معرفت عقلی محدود کند و منکر ارزش علمی شناخت حسی و شهودی شود.

بحث کنید

آیا شناخت عقلی بدون استفاده از شناخت حسی و تجربی می‌تواند دربارهٔ جامعهٔ پیرامون خود اظهار نظر کند؟

خلاصه کنید

– عقل دارای دو معنای عام و خاص است.

مفاهیم کلیدی

عقل ؛

آنچه از این درس آموختیم



شناخت اجتماعی شهودی

جهان اساطیری

شناخت شهودی انواع و مراتب فراوانی دارد؛ یک نوع اصلی آن، شهود شیطانی است. این شناخت مربوط به کدام جهان است، و چه نسبتی با علوم عقلی و تجربی دارد؟

در درس دوازدهم، جهان‌های اجتماعی به دو نوع معنوی و دنیوی و نیز جهان معنوی به دو نوع اساطیری و توحیدی تقسیم شد.

انسان جهان اساطیری، هستی را در جهان طبیعت محدود نمی‌بیند بلکه به موجودات فوق طبیعی نیز قائل است. موجودات فوق طبیعی در عالم اساطیر به یک حقیقت متعالی و مقدس باز نمی‌گردند بلکه الهه‌های متفرق و خداوندگان متعدّدند.

جهان اساطیری حاصل نگاه انحرافی انسان به موجودات فوق طبیعی است؛ همان‌گونه که نگاه دنیوی حاصل نگاه انحرافی انسان به موجودات طبیعی است.

در جهان اساطیری انسان‌ها به دنبال آن‌اند تا با استفاده از قدرت‌ها و نیروهای فوق طبیعی، نیازهای مادی و دنیوی خود را نیز تأمین کنند. آنان کنش‌های خود را با الهامات شیطانی و اندیشه‌های اسطوره‌ای سازمان می‌دهند و از این طریق، نظام اجتماعی، روابط اجتماعی و جنگ و صلح خود را با خواست و اراده‌ی الهه‌ها و خداوندگاران متعدّد پیوند می‌زنند.

در این جهان با همه‌ی مراتب عقلانیت مخالفت می‌شود و فقط شناخت عمومی یا عقل عرفی که اندوخته‌ی تاریخی جامعه و میراث فرهنگی گذشتگان است، محترم شمرده می‌شود.

در جهان اساطیر، عقل تجربی و ابزاری نیز ارزشی ندارد؛ زیرا انسان اسطوره‌ای سلطه بر طبیعت را از راه طبیعت دنبال نمی‌کند بلکه از طریق ارتباط با موجودات و نیروهای فوق طبیعی به دست می‌آورد و علمی که این ارتباط را تأمین می‌کنند، علوم غریبه مانند سحر، جادو، کهنات، نجوم و غیره هستند.



تحقیق کنید

- بسیاری از فرهنگ‌ها در گذشته تاریخ، فرهنگ‌های اساطیری‌اند، درباره برخی از آنها تحقیق و با دوستان خود گفت‌وگو کنید.
- شیطان پرستی و عرفان‌های کاذب پدیده‌های مربوط به کدام جهان هستند؟ درباره علل گسترش اخیر این دو پدیده در جهان متجدد گفت‌وگو کنید.

جهان توحیدی

انبیاء و اولیای الهی از وحی و الهامات الهی بهره می‌برند. این نوع شهود چه عقاید و آرمان‌هایی را به دنبال می‌آورد و چه تصویری را از انسان و جهان ترسیم می‌کند؟ در این جهان، عقل چه جایگاهی دارد؟

توحید در کانون جهانی است که انبیای الهی معرفی می‌کنند. اعتقاد به توحید، اعتقاد به یک موجود مقدس است. مقدس بودن به معنای منزهبودن از صفات نقص، مانند جهل و ناتوانی، و منزهبودن از صفات کمالی است که با نقص همراه باشد؛ مثل علم محدود یا قدرت محدود. موجود مقدس همه کمالات را به نحو نامحدود داراست.

موجودی که همه کمالات را به صورت نامحدود داراست، واحد و یگانه است. او نام‌های فراوانی دارد که بر اوصاف و کمالات مختلف وی دلالت می‌کند؛ مانند عالم، قادر، حی، رازق، قدوس، ... و الله نامی است که بر همه این اوصاف دلالت می‌کند.

اعتقاد به توحید مانع از این می‌شود که دیگر موجودات مستقل از علم، قدرت، اراده و صفات دیگر او باشند؛ زیرا استقلال آنها، به معنای محدود بودن او خواهد بود. همه موجوداتی که در عالم طبیعت و غیر آن‌اند، آیات و نشانه‌های اویند. این آیات و نشانه‌ها از نزد او آمده و به سوی او باز می‌گردند.

در این جهان، انسان بزرگترین آیت و نشانه خداوند است؛ یعنی، موجودی است که بیشتر از موجودات دیگر می‌تواند نام‌ها و صفات او را آشکار سازد.

جهانی که مخلوق خداوند است، بر اساس حکمت آفریده شده است. اولین مخلوق خداوند در این جهان، عقل است و خداوند موجودات دیگر را بر اساس آن آفریده است؛ بنابراین، نظام جهان نیز عقلانی است.

سعادت و رستگاری انسانی نیز در بازگشت به سوی خداوند و نزدیک شدن به آن هستی قدسی است.

گفت و گو کنید

درباره علم و عقل در جهان توحیدی مطالعه کنید و در کلاس با هم گفت و گو کنید.

علوم وحیانی

شناخت وحیانی انبیا - علیهم السلام - مهم‌ترین بخش از شناخت علمی در جهان توحیدی است. این شناخت از کدام منبع استفاده می‌کند و چه ارتباطی با شناخت عقلی و حسی دارد؟

شناخت وحیانی انبیا - علیهم السلام - ناظر به مسائلی است که برای بشر در زندگی این جهان و در فرهنگ و شناخت عمومی وجود دارد. پیامبران برای حل مشکلات و رفع موانع و گشودن بندهایی آمده‌اند که نظام‌های اجتماعی در راه رشد و تعالی انسان به وجود آورده‌اند. وحی الهی با آنکه نظر به مسائل طبیعی و مشکلات اجتماعی بشر دارد، از منبع طبیعت یا شناخت عمومی و اموری از این قبیل بهره نمی‌گیرد، بلکه از منبع شناخت وحیانی و علم و اراده الهی استفاده

می‌کند. وحی از نزد خداوند نازل می‌شود و به همین دلیل به آن «علم لدنی» نیز می‌گویند. شناخت و حیانی با شناخت و علم عقلانی مخالفتی ندارد. وحی الهی انسان را به استفاده از عقل نیز فرامی‌خواند. علی‌السلام — از جمله کارهایی که برای پیامبران بیان می‌کند این است که آنان آمده‌اند تا دفینه‌های عقل انسان‌ها را برانگیزانند. (خطبه اول نهج البلاغه)

شناخت و حیانی، حس را نیز به عنوان یکی از ابزارهای شناخت مورد توجه قرار می‌دهد. انبیاء الهی، انسان‌ها را از وسوسه‌ها و شهوذهای شیطانی برحذر می‌دارند و این نوع از شناخت را معتبر نمی‌دانند و شناخت عمومی را نیز که میراث گذشتگان است تا آن‌جا که با مراتب مختلف شناخت عقلی یا شناخت و حیانی مخالفت نداشته باشد، قبول می‌کنند.

مقایسه‌کنید

تفاوت برخورد جهان توحیدی و جهان‌های اساطیری را با مراتب مختلف شناخت (شهودی، عقلی و تجربی) مقایسه کنید.

خلاصه کنید

جهان اساطیری حاصل نگاه انحرافی انسان به موجودات فوق طبیعی است.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

مفاهیم کلیدی

جهان اساطیری ؛

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

شناخت اجتماعی قرآن



و انزل الله عليك الكتاب والحكمة و علمك ما لم تكن تعلم
و كان فضل الله عليك عظيما

سوره نمل: ۱۸

روش شناخت اجتماعی

قرآن کریم در بسیاری از آیات به مسائل اجتماعی پرداخته است و انسان‌ها را نیز به تأمل در پدیده‌های اجتماعی فرمان داده است. دیدگاه و روش مورد نظر قرآن برای شناخت اجتماعی چیست؟

جهانی را که قرآن برای انسان ترسیم می‌کند، جهان توحیدی است. در این جهان، همه موجودات و مخلوقات، آیات و نشانه‌های خداوند سبحان‌اند و به همین دلیل، همه علوم به شناخت آیات الهی می‌پردازند. علوم طبیعی آیات آفاقی (نشانه‌های طبیعی) و علوم انسانی آیات انفسی (نشانه‌های انسانی) و علوم اجتماعی، آیات اجتماعی خداوند را شناسایی می‌کنند و به همین دلیل، علم وسیله نزدیک شدن انسان به خداوند و خشوع در برابر اوست و تحصیل علم از برترین عبادت‌هاست.

از منظر قرآن، شناخت اجتماعی با سه ابزار حس، عقل و وحی به دست می‌آید. قرآن کریم

همان‌گونه که از مشاهدهٔ پدیده‌های عالم طبیعت سخن می‌گوید، به توجه و دقت در پدیده‌های اجتماعی نیز فرمان می‌دهد^۱ و در برخی آیات نیز انسان‌ها را به دلیل این که در سرنوشت اقوام و جوامع تعقل نمی‌کردند، نکوهش می‌کند^۲.

قرآن کریم برخی از شناخت‌های اجتماعی را از طریق وحی در دسترس بشر قرار می‌دهد. علاوه بر این دانش‌هایی که خداوند متعال از راه وحی به بشر می‌آموزد، دانش‌هایی است که برای تأمین سعادت بشر مورد نیاز است ولی انسان از راه حس و عقل نمی‌تواند یاد بگیرد. خداوند سبحان دربارهٔ این گونه از دانش‌ها به پیامبر خود می‌فرماید: «وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ؛ خداوند به تو چیزی را آموخت که از نزد خود نمی‌توانستی بیاموزی»^۳.

نگار من که به مکتب نرفت و خط نوشت به غمزه مسأله آموز صد مدرس شد
شناخت اجتماعی قرآن به دلیل استفاده از وحی و مراتب مختلف عقل بشری، به مراتب مشاهده و توصیف یا شناخت قوانین اجتماعی محدود نمی‌شود بلکه ابعاد ارزشی، هنجاری و انتقادی نیز دارد.

تأمل کنید

دربارهٔ نحوهٔ برخورد قرآن با دانش‌های اجتماعی تأمل کنید. برای این فعالیت مناسب است به تفسیر آیتی که در این بخش به آنها اشاره شد مراجعه کنید.

جامعه در قرآن

قرآن کریم براساس دیدگاه توحیدی نسبت به انسان و جهان، تصویری از جامعهٔ انسانی ارائه داده و برخی از اصول و قوانین حاکم بر جوامع را بیان می‌کند. تصویر قرآنی از جامعهٔ انسانی چیست؟ احکام و قوانین حاکم بر آن چگونه است؟

در تصویری که قرآن از جامعهٔ انسانی ترسیم می‌کند، ویژگی‌های زیر را می‌توان دید:

۱- **تأثیر فرد بر جامعه:** جامعه براساس خواست و ارادهٔ انسان‌ها شکل می‌گیرد و خداوند جامعه را براساس تغییری که انسان‌ها در نفس و جان خود ایجاد می‌کنند، تغییر می‌دهد. «إِنَّ اللَّهَ

۱. سوره غافر، آیه ۸۲: أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا يَكْسِبُونَ.

۲. سوره صافات، آیات ۱۳۹-۱۳۸: وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُّصْبِحِينَ * وَبِالْأَيْلِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ.

۳. سوره نساء، آیه ۱۱۳.

لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ یعنی، به درستی که خداوند قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر آن که خود را تغییر دهند».

۲- **زندگی و حیات جامعه:** هر جامعه با آنکه نتیجه کار آدمی است، از زندگی و حیاتی برخوردار است و از احکام و قوانینی پیروی می‌کند. این احکام پیامدهای الزامی جامعه بوده و به اختیار انسان‌ها نیستند.

۳- **اسارت انسان در نظام ظالمانه:** جوامعی که براساس کنش‌های ظالمانه و مجرمانه انسان‌ها شکل می‌گیرند، مانند زنجیرهایی هستند که بر گردن آدمیان افکنده می‌شوند و خداوند پیامبران را برای برداشتن این زنجیرها^۲ و برقراری عدالت و قسط^۳ می‌فرستد.

۴- **حق‌محور بودن جامعه توحیدی:** جامعه توحیدی مبتنی بر فطرت انسان^۴ است و راه سعادت معنوی و جاودانه انسان را هموار می‌کند. این جامعه بر مدار عقاید و آداب گذشتگان سازمان نمی‌یابد بلکه با نقد عقلانی تاریخ گذشتگان و عبرت‌آموزی از کردار آنان بر محور حقیقت شکل می‌گیرد^۵.

گفت‌وگو کنید

در باره رابطه فرد و جامعه از دیدگاه قرآن گفت‌وگو کنید.

سنت‌های اجتماعی

در نگاه توحیدی، جامعه‌ی انسانی نیز مخلوق خداوند و از آیات و نشانه‌های اوست. قرآن کریم از قوانین و احکام جوامع با نام سنت‌های الهی یاد می‌کند. سنت‌های الهی جامعه کدام‌اند؟

پیامدهای الزامی کنش‌های اجتماعی انسان‌ها همان قوانینی هستند که در زندگی اجتماعی وجود دارند. قرآن کریم از این قوانین با نام «سنت‌های الهی» یاد می‌کند.

از نظر قرآن کریم، سنت‌های الهی جامعه عام و غیرقابل تغییرند؛ «فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا؛ یعنی، برای سنت الهی تبدیل و تغییر وجود ندارد».

۱. سوره رعد، آیه ۱۱.

۲. سوره اعراف، آیه ۱۵۷؛ وَ يُضَعُّ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وُ الْأَعْلَالِ.

۳. سوره حدید، آیه ۲۵؛ لَقَدْ أَرْسَلْنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ.

۴. سوره روم، آیه ۳۰؛ فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتِ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا.

۵. سوره بقره، آیه ۱۷۰؛ أُولَئِكَ كَانَ أَبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ.

۶. سوره فاطر، آیه ۴۳.

برخی از سنت‌های الهی که در قرآن بیان شده‌اند، عبارت‌اند از:

۱- سنت ظهور و سقوط امت‌ها: هر جامعه و فرهنگی براساس ظرفیت‌ها و توانمندی‌هایی که

دارد، از حیات مخصوص به خود برخوردار است و بر همان اساس نیز مدت عمر آن مشخص می‌شود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ؛ هر امتی را دوره و اجلی معین است.»



۲- سنت امتحان و ابتلای الهی: انسان‌ها

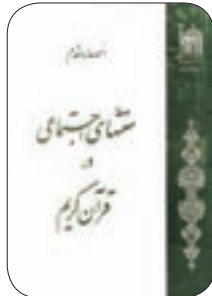
در جوامع مختلف براساس اختیار و اراده خود کنش‌ها و نظام‌های اجتماعی را شکل می‌دهند و از

این طریق در معرض امتحان و آزمایش قرار می‌گیرند.

۳- سنت ارسال رسل (فرستادن پیامبران): هر جامعه‌ای علاوه بر آن که از سطوح

مختلف عقلانیت برای داوری نسبت به ارزش‌ها، هنجارها، آرمان‌ها و رفتارها برخوردار است، از

وحی الهی نیز بهره‌مند است. آیات بسیاری از این سنت الهی یاد می‌کند؛ مثل «و لِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ؛ هر امتی را پیامبری است.»



از دیگر سنت‌ها عبارت‌اند از: سنت مجازات،

استدراج^۱، مکر و پیروزی حق بر باطل

برخی از متفکران اسلامی درباره سنت‌های

اجتماعی و تاریخی در قرآن کریم، کتاب‌هایی را

تألیف کرده‌اند؛ مانند: «سنت‌های تاریخی در قرآن» اثر شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر و کتاب

«سنت‌های اجتماعی در قرآن کریم» اثر دکتر احمد حامد مقدم.

در کتاب «دین و زندگی» سال چهارم متوسطه نیز با برخی از سنن اجتماعی قرآن آشنا

خواهید شد.

تأمل کنید

براساس بینش قرآنی، آیا قوانین حاکم بر جامعه اگر توسط عقل و تجربه شناخته شوند،

از سنت‌های الهی‌اند؟ دلیل خود را بیان کنید.

۱. سوره یونس، آیه ۴۹.

۲. سوره یونس، آیه ۴۷.

۳. خداوند گاهی به گمراهانی که راه باطل می‌پیمایند و با حق دشمنی می‌ورزند فرصت‌ها و امکاناتی می‌دهد و آن‌ها خود با استفاده غلط از همین امکانات، بیشتر در فساد فرو می‌روند و به تدریج به هلاکت ابدی نزدیک می‌شوند.

خلاصه کنید

- قرآن کریم از قوانین زندگی اجتماعی به سنت‌های الهی یاد می‌کند.

مفاهیم کلیدی

سنت‌های اجتماعی ؛

آنچه از این درس آموختیم
